



موسیقی یک جهش نامحدود است؟

سلام ریاضی

به تازگی بحث در پزشکی روی درک جدیدی از مفاهیم سلامتی و کیفیت زندگی متمرکز شده است. امروزه تأکید بیش تری بر شیوه زندگی و فاکتورهای هنری و فرهنگی در دفاع از سلامتی و کیفیت زندگی می‌شود. این شیوه ی تفکر برای درمان به وسیله ی موسیقی به عنوان یک عامل درمانی شناخته شده است. موسیقی، هم راستای کیفیت زندگی در چهار مرحله پیش نهاد می‌شود: (یک) موسیقی، احساس قدرت حیات و آگاهی از احساسات را در ما افزایش می‌دهد. (دو) موسیقی، مجالی برای افزایش احساس فراهم می‌کند. (سه) ساخت موسیقی، احساس تعلق داشتن به جامعه را به وجود می‌آورد. (چهار) موسیقی، احساس معنا و ارزش را در زندگی ایجاد می‌کند.

از ترکیب تفکرات فلسفی و علمی با توجیهی منطقی برای استفاده از موسیقی و مراقبت از سلامتی و بیماری، می‌توان راه‌هایی را دریافت که به سلامتی و کیفیت زندگی اشاره کند و در واقع تعریف مفهوم راه‌های موسیقی درمانی را به ما نشان دهد.

در طی پنجاه سال اخیر، نظام موسیقی درمانی بسته به موقعیت‌ها تغییر کرده و با تلاش عده‌ای پیش رو در این زمینه، به صورت وسیع و اجتماعی در آمده است که این شکل از موسیقی درمانی حرفه ای، با ارزش و ایدئولوژی‌های خاص خود، تحولی در باب قدرت موسیقی و سلامت است. سوال این است که چگونه موسیقی درمانی به عنوان یک شکل دهنده ی اجتماعی ممکن است بر روی افکار عمومی تأثیر گذار باشد؟ وقتی صحبت از نقش فعالیت‌های فرهنگی در فرم دادن بهتر الگوی سلامت در جامعه به میان می‌آید، باید به خاطر داشته باشیم که چگونه موسیقی درمانی و دیگر هنرهای درمانی در این شیوه ی تفکر پیش قدم بوده اند.

از دیدگاه علم جامعه شناسی این قابل درک است که وقتی موسیقی درمانی برای اولین بار می‌خواهد در میان دیگر قانون‌های آکادمیک آمریکای دهه ی پنجاه، مقامی کسب کند، بایستی سوا از همه ی انواع دیگر تئوری‌های آرمان گرایانه و متافیزیک در جامعه ی علمی تلاش کرد.

روش عمومی در ارتباط نقش موسیقی با سلامتی و بیماری با اندک مثال‌هایی از تاریخ موسیقی درمانی می‌توان توضیح داد. در مطالعه ی این تاریخچه، به دو عقیده ی شایع بر می‌خوریم که در تاریخ موسیقی درمانی غرب از یونان باستان آغاز و تا قرن نوزده ادامه داشت. یک رشته از این تاریخ با راه‌هایی سر و کار دارد که موسیقی با مفاهیم مختلفی از بیماری مربوط است. به طور مثال تئوری قدیمی چهار عنصری*، دیگری، بیش تر با این سروکار دارد که موسیقی چگونه می‌تواند در قالبی تنظیم شده ما را به سوی زندگی خوب سوق دهد. برای توضیح این مسأله ی اخیر،

توجه کنیم که چگونه موسیقی در یونان باستان درک شده و در بین دیگر فعالیت‌ها توانسته است آرامش و هماهنگی ایجاد کند. روش کنترل شده و نگاه به آسیب شناسی در ترکیب با تئوری زیباشناسی موسیقی باستانی (اتوس) تبدیل به یک پایه ی قدرت مند برای استفاده از موسیقی در طب طی قرن‌های مختلف شده است. بنا بر نظریه اتوس: موسیقی دارای نیروی مؤثری است که با سیستم طبیعی آدمی مرتبط است و می‌تواند در آمل و خصوصیات و هدایت فرد تأثیر بگذارد. یونانیان قدیم علت بیماری را نتیجه ی عدم هارمونی و هماهنگی در اعضای بدن می‌دانستند. آن‌ها عامل بازگرداندن هارمونی و هماهنگی (بهبود بیمار) را، در موسیقی می‌دیدند و موسیقی به عنوان شاخه ای از ریاضی، عامل نظم و هماهنگی در موجودات تصور می‌شد. یونانیان در عمل دریافتند که موسیقی و مقام‌های متفاوت آن اثرات قابل توجهی در هدایت و عواطف انسانی می‌گذارد. مطابق با نظر تاریخ شناس آلمانی "فرانک وارند کومیل" این سنت در اوایل قرن نوزده به اتمام رسیده است.

به نظر می‌رسد در قرن نوزده، به این دلیل که مفهوم رژیم درمانی در طب کم رنگ شده و هم چنین رشد فلسفه ی علم و تأکید آن بر روی روش‌های تجربی و یا علم طبیعت رشد می‌کند، موسیقی نقش خود را به عنوان یک عامل درمانی را از دست بدهد.

یک مفهوم جدید از رمانتیک: چگونه مفهوم رمانتیک موسیقی به عنوان درمان کننده ی جهانی و یا صلح آمیز با استقبال عموم مواجه می‌شود و هم چنین پرداختن به این فاکتورها به عنوان تغییر دهنده‌های مفاهیم علم و روش‌های الهی در برخورد با حیات، بر روی موسیقی دیگر فرهنگ‌ها تأثیر می‌گذارد و درک شکستن منطق‌های خطی و استدلال‌های ابزاری را بالا می‌برد؟ تغییرات اخیر در فضای علم به سوی تغییر شیوه در رشته ی موسیقی درمانی حرکت می‌کنند، که تأکید آن بر روی قابلیت‌های متافیزیک موسیقی برای تأثیر و تغییر و بی توجهی درمان گر‌ها درباره ی درمان قطعی است. به نظر می‌رسد خصوصیت این دیدگاه، این اعتقاد را ناشی شود که موسیقی می‌تواند توضیحی برای خیلی از نشانه‌های پایه در کیهان و حقیقت یا هر چیزی که خارج از دنیا وجود دارد، باشد.

دو دیدگاه نسبتاً متضاد به دنیا، ممکن است که از پیامدهای این دیدگاه الهی ناشی شده باشند که در جواب به ضعف اندیشه‌های منطقی برخی تئوریسین‌ها، رفتارهای مذهبی را در پس هنر و علم تلیف کرده اند تا از این طریق بتوانند به درک جدیدی از حقیقت دست یابند. چنین رفتاری ممکن است درک و یا واقعیت دیگری که در تفکر عام وجود دارد را به هم راه داشته باشد. یک نتیجه دیدگاه این ست که کدام اصل‌ها از اواخر قرن هجده ام بر آن اعتقاد است که واقعیت، واقعی تر از آن چه که ما همگی جزئی از آن هستیم می‌تواند با موسیقی مشترک باشد؟ به طور مثال بیان این که موسیقی جهش نامحدود است و یا ما همگی قسمتی از لرزش جهانی هستیم، ممکن است از این تفسیر ناشی شده باشد. این که نیروهای خارجی که بیش تر در امور ناچیز مشارکت و دخالت می‌کنند تا زندگی ما را متلاشی کنند، و اگر هیچ نیروی مستقیمی در کار نبود (که این دیدگاه بیشتر مکانیکی است نسبت به دیدگاه مذهبی) تا عمل کرد آن بیش تر در علم موسیقی درمانی طبیعی سخت و دشوار باشد، چگونه مشارکت در جهان از طریق موسیقی، طبق این واقعیت می‌تواند صلح و آرامش، سلامتی و هماهنگی را ضمانت کند؟

گزارش

۶۸

گزارش موسیقی
شهریور و مهر ۸۹
شماره ۲۴/۱۳۳

پس به جای پرسیدن این که موسیقی نوع دیگری از واقعیت را ارائه می‌کند، آن نوعی از واقعیت که در سلامتی بخشیدن واقعی تر و هدایت کننده تر است، ما بایستی پرسیم چه نوعی از دیدگاه، این چنین ایدئولوژی را به وجود می‌آورد، و بیش تر از آن، آیا این دیدگاه در پیش رفت سلامتی مفید است؟ شاید باشد. شیوه ی تفکر در این سوال یک نظریه بیش تر مذهبی را نسبت به سلامتی نشان می‌دهد که دیدگاه‌های به دست آمده از سلامتی نه تنها به عنوان مسئله‌ای در بیولوژیک، بلکه به عنوان پدیده‌ای است که با فردیت، به خوبی با جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی ارتباط دارد. اگر تفکر جدید یعنی چسبیدن به رفتارهای غیر کاهشی که مراحل است برای نگه داشتن پیچیدگی‌های سوال‌هایی که به تأثیرات موسیقی بر انسان ارتباط دارد و هم چنین استفاده از این تأثیرات در درمان بیماری، پس ما قادر به استفاده از موسیقی به عنوان یک راه پیش گیری هستیم. «استفاده از پارامتر GSR برای کشف زمینه‌های انرژی»: «والری هانت» - فیزیوتراپیست و پروفیسور علم حرکات بدن انسان در دانشگاه U.C.L.A ایالت کالیفرنیا - بیش از بیست سال روشی را در جهت کشف نقاط اوج فرکانس‌های بالای الکتریکی که در بدن انسان برانگیخته می‌شوند، توسعه داده است. موضوعی که او اعتقاد دارد مربوط به زمینه انرژی غیر فیزیکی است که بدن را احاطه کرده است، و آن مربوط است به آموزش‌های سنتی درباره هاله ی انسان و سیستم‌های حلقوی شناخته شده به عنوان چاکراها.

علم پزشکی نشان داده است که تمام موجودات زنده، فرآیندهای الکتروشیمیایی در بدن خود را نگه داری و ابقاء می‌کنند. انسان‌ها به دلیل فعالیت‌های الکتریکی ذهن خود پیشرفت می‌کنند. پالس‌های سیگنالی پیچیده به طور دائم از رشته‌های عصبی درون بدن عبور می‌کنند. کار والری شامل دانش حرکات ماهیچه‌های انسان به عنوان یک «الکترومیوگراف» شد. این وسیله، پالس‌های الکتروشیمیایی فرستاده شده در میان اعصاب برای فعال کردن ماهیچه‌ها را انتخاب می‌کند. توانایی واکنش ماهیچه منحصرأ به فرکانس بعضی از پالس‌ها بستگی دارد. بالاترین فرکانس پالس در حرکت دهنده اعصاب حدود دویست و پنجاه هرتز است. پالس‌های سریع مانند این‌هایی که می‌توانند شنیده شوند مثل یک تیک (صدای مختصر) در یک پخش کننده پر صدای آمپلی فایر، اجزای فرکانس بالاتری دارند که از یک الگوی مشخص تکراری، مطابق با چیزی که به عنوان «تجزیه فوریر» شناخته شده است، پیروی می‌کنند. به این دلیل والری توانست این سیگنال‌های ماهیچه‌ای را از اجزاء فرکانس بالای آنها تصفیه کند. بعد از انجام این کار، او با سیگنال‌های کوچک تر به میزان صد تا هزار و شصت هرتز باقی ماند، که به نظر نمی‌رسید از قلب، اعصاب یا مغز سرچشمه گرفته باشند. با تهیه یک برنامه فرکانسی از این سیگنال‌ها، والری نشان داد که آنها نقاط اوج مشخصی با فاصله‌های منظم را شکل دادند و به طور کامل بر خلاف انتظاری که از صداهای اتفاقی داشتیم. این کشف، والری را به این باور هدایت کرد که سیگنال‌های الکتریکی فرکانس بالا بر اثر چیز دیگری بودند، سیستم انرژی غیر فیزیکی که بر بالای بدن انسان فعالیت می‌کند. چیزی لمس ناپذیر، مانند هاله انسان و سیستم‌های افسانه‌ای چاکراها. او بعد از خواندن و یادگیری EMG‌های فراوان به این نتیجه رسید و این شامل یک رقصنده باله هم می‌شد که ادعا کرد این انرژی خارجی را استفاده می‌کند تا برای کامل کردن رقص‌های پیچیده، به او کمک کند.

سپس والری تحقیقات خود را گسترش داد تا مردمی را که ادعا می‌کردند قادر هستند رنگ‌های هاله انسان را - یک زمینه انرژی که بدن انسان را احاطه کرده است - ببینند، در بر گیرد. هدف حیاتی تحقیق او، تاسیس و بر

پا داشتن عنصری معنوی خارج از بدن انسان بود که بتواند به فعالیت‌های الکتروشیمیایی درون بدن تأثیر گذارد. این شاید حلقه ی زنجیر بین بدن و روح باشد. چیزی که افکار و اذهان تمام فیلسوفان از زمان افلاطون را مشغول ساخته بود.

می‌دانیم نود درصد بدن انسان از آب تشکیل شده است و این‌ها در فرکانس‌های بالا به رطوبت و بخار تبدیل می‌شوند. اگر فرکانس‌ها از درون بدن سرچشمه گرفته باشند، بنابر تأثیر سیستم الکتروشیمیایی بدن، آن‌ها باید در طول یک سیستم غیر فیزیکی جدا از بدن عبور کنند. یک نصف النهار مخصوص در طول بدن، مانند آنچه طب سوزنی پیشنهاد کرده است. نظریه دیگران این است که آن‌ها به طور کامل در بدن نفوذ نمی‌کنند اما در عوض اطراف پوست منتشر می‌شوند، جایی که سلول‌های مرده پوست یک پایداری بالا در راه عبور رایج درون بدن به وجود می‌آورند. به دنبال خط این تحقیق، والری توانست نقاط اوج مشخص از فرکانس‌های سریع را با یک آهنگ موزون، و با آهنگ‌های مشخص از هاله ی انسان، که با احساسات دیده می‌شوند را به خدمت بگیرد.

جدول مربوط به فرکانس‌های انرژی انسانی و رنگ‌های هاله‌ای انسان و چاکراها

چاکرا	فرکانس	رنگ
پایه	۲۰۰	آبی تیره
خاجی	۳۰۰	سبز
شکم	۴۰۰	زرد
قلب	۵۰۰	قرمز
گلو	۶۰۰	نارنجی
ابرو	۷۰۰	آبی روشن
بالای سر	۸۰۰	بنفش
ستاره‌های بالای سر	۱۰۰۰	کرم
ذهنی	۱۴۰۰	سفید

با این حال صحبت درباره ی موسیقی و ارتباط آن با پیش رفت در سلامتی یک دغدغه است، ولی با تحقیقات انجام شده ی مشابه و گسترش این رشته در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی درمانی اروپا و آمریکا، اگر کنار خیابان بایستید و از مردم تعریف موسیقی درمانی را بپرسید، احتمالاً با نگاه‌هایی خیره ی بدون پاسخ و جواب‌های بسیار متنوعی روبرو می‌شوید. مثلاً: موسیقی چی چی؟

* پیوند موسیقی و علم پزشکی در دوره رنسانس، بر اساس تئوری یونانیان در مورد طبایع چهارگانه با عناصری که برای تعادل سلامتی وجود داشته اند، به وجود آمد. تئوری پردازان پزشکی به مطرح کردن نظریه ی چهار خلط بدن (صفر، بلغم، خون، سودا) و مزاج‌های مترادف با آن‌ها (صفاوی، بلغمی، دمو، سوداوی) پرداختند. «امیدکلین» - جهان شناس - آن دوره از جهان را متشکل از چهار (خاک، آب، هوا، آتش) می‌پنداشت. بر اساس این نظریه تئورسین‌های موسیقی به تطبیق کردن چهار حالت موسیقی (سُران، آلت، تتر، باس) با عناصر کیهانی نظریه ی امیدکلین پرداختند و چهار مد رایج موسیقی رنسانس (درین، لیدین، فریزین، میکس لیدین) را با طبایع مترادف خود مربوط داشتند. { تاریخ موسیقی جهان / روح انگیز راهگانی / انتشارات پیشرو / چاپ اول: اسفند ۱۳۷۶ }